



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی

فارسی

رِسَالَتَانِ مُوجَزَتَانِ فِي الزَّكَاةِ وَالصَّيَامِ

دو نامه مختصر درباره زکات و روزه



سَمَاحَةُ السَّيِّخِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَازٍ
رَحِمَهُ اللَّهُ

ح) جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات ، ١٤٤٦ هـ

بن باز ، عبدالعزيز
رسالتان موجزتان في الزكاة والصيام - فارسي. / عبدالعزيز
بن باز - ط١. -. الرياض ، ١٤٤٦ هـ
٢٣ ص ؛ . بسم

رقم الإيداع: ١٤٤٦/١٤٢٦٨
ردمك: ٨-٠٠-٨٥٢٤-٦٠٣-٩٧٨

رِسَالَتَانِ مُوجَزَتَانِ فِي الزَّكَاةِ وَالصَّيَامِ

دو نامہ مختصر دربارہ زکات و روزہ

سَمَاحَةُ الشَّيْخِ

عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَازٍ

رَحِمَهُ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه نخست

در پژوهش‌های مهم درباره زکات

ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست، و بر آل و اصحاب او باد، اما بعد:

باعث نوشتن این کلمات نصیحت و یادآوری فریضه زکات است که بسیاری از مسلمانان در آن سهل‌انگاری کرده و آن را به صورت مشروع ادا نکرده‌اند، با وجود اهمیت بزرگ آن و اینکه یکی از ارکان پنج‌گانه اسلام است که بنای آن جز بر آن استوار نمی‌شود؛ به قول پیامبر صلی الله علیه وسلم: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامَ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمَ رَمَضَانَ، وَحَجَّ الْبَيْتِ»، «اسلام بر پنج [پایه] بنا شده است: گواهی دادن به اینکه معبودی [به حق] جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله است، و برپا داشتن نماز، و دادن زکات، و روزه ماه رمضان، و حج بیت الله الحرام». (بخاری و مسلم) بر صحت آن اتفاق دارند.

و زکات را بر مسلمانان فرض نمودن از جمله زیبایی‌های آشکار اسلام و توجه آن به امور پیروانش است؛ به دلیل فواید فراوان آن و نیاز شدید فقرای مسلمانان به آن.

از فایده های آن: قوی شدن پیوندهای دوستی میان ثروتمند و نیازمند است؛ زیرا دلها به محبت کسی که به آنها نیکی کرده، تمایل دارند.

و از فایده های آن: پاکسازی و تزکیه نفس و دوری آن از اخلاق طمعکاری و بخیلی است، همان‌طور که قرآن کریم به این معنا اشاره کرده است:

﴿حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...﴾ [التوبة: ۱۰۳]، یعنی:
(از اموال آنان صدقه [و زکات] بگیر، تا به وسیله آن، آنان را [از گناه] پاک گردانی و درجاتشان را بالا ببری؛ و برایشان دعا کن).

و از جمله فایده ها: عادت دادن مسلمان به صفت سخاوت و کرم و عطوفت بر نیازمند است.

و از جمله آن: جلب برکت و افزایش و زیادی [مال] از سوی الله

متعالم است، چنان كه الله متعال مى فرماید:

﴿...وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [سبأ: ۳۹].

یعنى: (و هر چیزی را [كه در راه الله] انفاق كنید، او به جای آن [مال - و بهتر از آن - به شما] بازپس مى دهد؛ و او تعالى بهترین روزی دهنده است).

و این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح كه: خداوند مى فرماید: «يَا ابْنَ آدَمَ أَنْفِقْ نُنْفِقُ عَلَيْكَ...»، «ای فرزند آدم انفاق كن، تا به تو انفاق كنیم...» و فایده های فراوان دیگر.

و تهدید شدید در مورد كسی وارد شده كه در دادن آن بخل ورزد یا در اخراج آن کوتاهی كند؛ الله متعال مى فرماید:

﴿...وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۳۴﴾ يَوْمَ يُجْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿۳۵﴾﴾ [التوبة: ۳۴-۳۵].

یعنى: (و كسانی كه طلا و نقره مى اندوزند و آن را در راه الله انفاق نمى كنند، آنان را به عذابی دردناك بشارت بده. روزی كه آن [گنجینه ها] را در آتش دوزخ سرخ كنند، و پيشانی و پهلو و پشتشان

را با آن داغ نهند [و بگویند:] این است آنچه برای خویش می اندوختید؛
پس بچشید آنچه را که می اندوختید).

پس هر مالی که زکاتش پرداخت نشود، گنجی است که صاحبش
روز قیامت به آن عذاب می شود، چنانکه حدیث صحیح از پیامبر صلی
الله علیه وسلم بر این دلالت دارد که فرمودند: «مَا مِنْ صَاحِبٍ ذَهَبٍ وَلَا
فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي حَقَّهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِي
عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فَيُكْوَى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ، كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ فِي
يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ فَبِرَى سَبِيلَهُ: إِمَّا إِلَى
الْجَنَّةِ، وَإِمَّا إِلَى النَّارِ»، «هر صاحب طلا و نقره ای که زکات آن را ندهد،
روز قیامت طلا و نقره اش به ورق هایی از آتش تبدیل می شود و این
ورق ها را در آتش دوزخ داغ می کنند و سپس با آن پهلوها، پیشانی و
پشت او را داغ می نهند و هر بار که این ورق ها سرد شود، دوباره داغ
می گردد و این عذاب برای آن شخص در روزی که مقدارش به اندازه
پنجاه هزار سال است، ادامه دارد تا آن که در میان بندگان، حکم می شود
و سپس مسیر آن فرد به سوی بهشت یا به سوی دوزخ، مشخص
می گردد».

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم به ذکر صاحب شتران، گاوها و

گوسفندانی که زکاتشان را نمی‌دهند، پرداخت و خبر داد که در روز قیامت با آنها عذاب می‌شوند.

و در حدیث صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمودند: «مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهُ مِثْلَ لَهُ شُجَاعًا أَفْرَعَ لَهُ زَبِيبَتَانِ يُطَوِّفُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ يَأْخُذُ بِلَهْرِمَتَيْهِ (يَعْنِي شِدْقَيْهِ)، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا مَالِكٌ، أَنَا كَنْزُكَ»، «آنکه الله به او مالی داده و او زکاتش را ادا نکند، در شکل افعی بی‌مویی بر او آشکار می‌شود، که دو خال سیاه بالای چشمانش دارد و او را در روز قیامت به گردنش می‌اندازند، سپس با دو سوی دهانش او را می‌گیرد و می‌گوید: من مال تو ام، من گنج تو ام»، «ثُمَّ تَلَا النَّبِيُّ ﷺ قَوْلَهُ تَعَالَى: سِيسِ يَمْبِرِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ آيَةِ رَا تَلَاوَتِ فَرَمُودِنْد: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ [آل عمران: ۱۸۰]، یعنی: (و کسانی که به آنچه الله از فضل خویش به آنان داده است بخل می‌ورزند، گمان نکنند که آن [بخل] برایشان خیر است؛ بلکه برایشان شر است. در روز قیامت، آنچه به آن بخل می‌ورزیدند، طوق گردنشان خواهد شد).

و زکات بر چهار دسته واجب است: محصولات کشاورزی که از

زمین خارج می‌شوند، چهارپایان اهلی که [از زمین خدا] می‌چرند، طلا و نقره، و کالاهای تجاری.

هر یک از این چهار دسته نصاب معینی دارند که زکات بر کمتر از آن واجب نمی‌شود. نصاب حبوبات و محصولات کشاورزی پنج وسق است و وسق شصت صاع بر اساس صاع پیامبر صلی الله علیه وسلم است. از جمله خرما، کشمش، گندم، برنج، جو و مانند آن، سیصد صاع بر اساس صاع پیامبر صلی الله علیه وسلم است که چهار مُشت با دستان مردی با خلقت معتدل است، در صورتی که دستانش پُر باشد.

و واجب در این مورد، پرداخت یک دهم است به شرط آنکه این درختان خرما و زراعت‌ها بدون هزینه‌ای آبیاری شده باشند، مانند باران‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌های جاری و نظایر آن آبیاری شده باشند.

اما اگر با هزینه و زحمت آبیاری شود: مانند سوانی و ماشین‌های آب‌کش و مانند آن، زکات واجب در آن نصف یک دهم است، چنانکه حدیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم بر این دلالت دارد.

و اما نصاب چهارپایان از شتر و گاو و گوسفند، در احادیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم به تفصیل بیان شده است و کسی که

خواهان دانستن آن باشد می‌تواند از اهل علم در این باره سؤال کند و اگر قصد اختصار نبود، آن را برای تکمیل فایده ذکر می‌کردیم.

و اما نصاب نقره صد و چهل مثقال است و مقدار آن به درهم‌های عربستان سعودی پنجاه و شش ریال می‌باشد.

نصاب طلا بیست مثقال است و مقدار آن از جنیه‌های سعودی یازده جنیه و سه هفتم جنیه می‌باشد، و به گرم نود و دو گرم است و زکات واجب در آن‌ها یک چهلم است بر کسی که نصاب آن‌ها یا یکی از آن‌ها را داشته باشد و یک سال بر آن بگذرد.

و سود تابع اصل است و نیاز به گذراندن یک سال جدید ندارد، همانطور که زاد و ولد چهارپایان تابع اصل خود است و اگر اصل آن نصاب باشد، نیاز به گذراندن یک سال جدید ندارد.

پول‌های کاغذی که امروزه مردم با آن‌ها معامله می‌کنند، خواه درهم، دینار، دلار یا هر نام دیگری باشد حکم طلا و نقره را دارند. اگر ارزش آن‌ها به نصاب نقره یا طلا برسد و یک سال از آن بگذرد، زکات بر آن واجب می‌شود.

و به پول‌ها، زیورآلات زنان از طلا یا نقره نیز ملحق می‌شود، به ویژه

اگر به حد نصاب رسیده و یک سال از آن گذشته باشد، در این صورت زکات بر آن واجب است حتی اگر برای استفاده یا عاریه آماده شده باشد، بر اساس صحیح‌ترین قول علما؛ به دلیل عمومیت قول پیامبر صلی الله علیه و سلم: «مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي زَكَّاتَهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ»، «هر صاحب طلا و نقره‌ای که زکات آن را ندهد، روز قیامت طلا و نقره‌اش به ورق‌هایی از آتش تبدیل می‌شود». تا پایان حدیث مذکور.

و چون از پیامبر صلی الله علیه و سلم ثابت شده که در دست زنی دو دستبند طلا دید و فرمود: «أَتُعْطِينَ زَكَاةَ هَذَا؟»، قَالَتْ: لَا، قَالَ: «أَيَسْرُكَ أَنْ يُسَوِّرَكَ اللَّهُ بِهَمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَوَارِينَ مِنْ نَارٍ»، فَأَلْقَتْهُمَا، وَقَالَتْ: «هُمَا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ»، (آیا زکات این را می‌دهی؟) گفت: نه. گفت: (آیا خوشحال می‌شوی که الله در روز قیامت آن‌ها را به دو دستبند از آتش تبدیل کند؟) پس آن‌ها را انداخت و گفت: این‌ها برای الله و رسول اوست. به روایت ابوداود و نسائی با سند حسن.

و از ام سلمه رضی الله عنها ثابت شده که او زیورآلاتی از طلا می‌پوشید، پس گفت: یا رسول الله، آیا این گنجینه است؟ فرمود: «مَا بَلَغَ أَنْ يُزَكِّيَ فَرْكِي فَلَيْسَ بِكَزْبٍ»، «هر آنچه به حد زکات رسیده، و زکاتش

پرداخت شود، گنج نیست». و احادیث دیگری در این معنا.

اما کالاهای تجاری که برای فروش آماده شده‌اند، در پایان سال ارزیابی می‌شوند و یک چهارم عشر ارزش آنها پرداخت می‌شود، خواه ارزش آنها برابر با قیمتشان باشد یا بیشتر یا کمتر؛ به دلیل حدیث سمره رضی الله عنه که گفت: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْمُرُنَا أَنْ نُخْرِجَ الصَّدَقَةَ مِنَ الَّذِي نُعِدُّهُ لِلْبَيْعِ»، «رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما امر می‌فرمودند که صدقه را از آنچه برای فروش آماده کرده‌ایم، خارج کنیم». به روایت ابوداود.

و در این دسته، زمین‌های آماده برای فروش، ساختمان‌ها، خودروها، ماشین‌های آب‌کشی و دیگر انواع کالاهای آماده برای فروش داخل می‌شوند.

اما ساختمان‌هایی که برای اجاره آماده شده‌اند نه برای فروش، زکات در اجاره‌های آنها واجب است اگر یک سال بر آنها بگذرد، اما خود ساختمان‌ها زکات ندارند؛ زیرا برای فروش آماده نشده‌اند. همچنین خودروهای شخصی و کرایه‌ای زکات ندارند اگر برای فروش آماده نشده باشند و صاحبشان آنها را برای استفاده شخصی خریداری کرده

باشد.

و اگر برای صاحب تاکسی یا غیره پولی جمع شود که به نصاب برسد، بر او واجب است که زکات آن را بپردازد اگر یک سال بر آن بگذرد، چه آن را برای هزینه زندگی، یا ازدواج، یا خرید ملک، یا پرداخت بدهی، یا دیگر مقاصد آماده کرده باشد؛ به دلیل عموم ادله شرعی که بر وجوب زکات در چنین مواردی دلالت دارد.

و نظر صحیح علمای دین این است که بدهی مانع زکات نمی شود.

و به همین ترتیب، اموال یتیمان و دیوانگان نیز طبق نظر جمهور علما زکات بر آنها واجب است اگر به نصاب برسد و یک سال بر آن بگذرد، و بر اولیای آنها واجب است که با نیت از جانب آنها زکات را در پایان سال پرداخت کنند؛ به دلیل عموم ادله، مانند قول پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث معاذ رضی الله عنه هنگامی که او را به سوی اهل یمن فرستاد: «إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً فِي أَمْوَالِهِمْ تُوْخَذُ مِنْ أَعْيَانِهِمْ وَتُرَدُّ فِي فُقَرَائِهِمْ»، «الله متعال صدقه‌ای را در اموالشان بر آنان فرض کرده است که از ثروتمندانشان گرفته شده و به فقرايشان بازگردانده می شود».

زکات حق الله است و نباید به کسانی که مستحق آن نیستند داده

شود، و نه اینکه انسان با آن برای خود نفعی جلب کند یا ضرری دفع کند، و نه اینکه با آن مال خود را حفظ کند یا از خود مذمتی دفع کند، بلکه بر مسلمان واجب است که زکاتش را به مستحقانش بدهد به دلیل اینکه آنان اهل آن هستند، نه به خاطر هدف دیگری، با رضایت خاطر و اخلاص برای الله در این کار؛ تا از گردنش ساقط شود، و مستحق پاداش بزرگ گردد، و خداوند جایگزین آن مال را به او می دهد.

الله سبحانه در کتاب کریم خود دسته های مستحقان زکات را روشن کرده است، الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۶۰﴾﴾ [التوبة: ۶۰]، یعنی: (به تحقیق زکات اختصاص دارد به فقیران و مستمندان و کارگزاران [جمع آوری و توزیع] آن و دلجویی شدگان [تازه مسلمان] و برای [آزاد کردن] بردگان و [پرداخت وام] بدهکاران و [جهادگران] در راه الله و [کمک به] درراه ماندگان. [این] فریضه ای [مقرر شده] از جانب الله است؛ و الله دانای حکیم است).

و در پایان این آیه کریمه با این دو اسم بزرگ، الله سبحانه و تعالی به بندگان تذکر می‌دهد که او سبحانه و تعالی آگاه به احوال بندگان است: چه کسی از آنان مستحق صدقه است و چه کسی نیست، و او حکیم در شریعت و تقدیرش است و چیزها را جز در جایگاه شایسته‌شان قرار نمی‌دهد، هرچند برخی از مردم از اسرار حکمتش بی‌خبر باشند؛ تا بندگان به شریعتش اطمینان کنند و به حکم او تسلیم شوند.

از الله خواهیم که ما و مسلمانان را برای فهم دینش، صداقت در معامله با او، و پیشی گرفتن در آنچه او را خشنود می‌سازد، و عافیت از موجبات خشم او توفیق دهد؛ همانا او شنوا و نزدیک است!

و درود و سلام الله بر بنده و پیامبرش محمد و بر آل و اصحاب او باد.

ریاست کل مدیریت پژوهش‌های علمی

فتوا و دعوت و ارشاد

جناب شیخ: عبد العزیز بن عبد الله بن باز

نامه دوم

در فضیلت روزه رمضان و قیام آن همراه با بیان احکام

مهمی که ممکن است بر برخی افراد پوشیده بماند

از عبد العزیز بن عبد الله بن باز به هر مسلمانی که این را می بیند،
الله من و ایشان را به راه اهل ایمان هدایت کند، و من و آنها را برای
فهم سنت و قرآن توفیق دهد، آمین!

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، اما بعد:

این نصیحت مختصر به فضیلت روزه رمضان و قیام آن، و فضیلت
پیشی گرفتن در آن با اعمال صالح، همراه با بیان احکام مهمی که
ممکن است بر برخی از مردم پوشیده بماند، مربوط می شود.

از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت شده است که ایشان آمدن
ماه رمضان را به یارانش بشارت می دادند و به آنان خبر می دادند که این
ماهی است که در آن درهای رحمت و درهای بهشت گشوده می شود،
و درهای جهنم بسته می شود، و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند، و
می فرمودند: «إِذَا كَانَتْ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَتُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَلَمْ يُغْلَقْ
مِنْهَا بَابٌ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ فَلَمْ يُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ، وَصَفَّدَتِ الشَّيَاطِينَ،

وَيُنَادِي مُنَادٍ: يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ، وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ، وَلِلَّهِ عُتَقَاءُ مِنَ النَّارِ، وَذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ»، «چون اولین شب رمضان فرا رسد، درهای بهشت گشوده می شود و هیچ دری از آن بسته نمی شود، و درهای دوزخ بسته می شود و هیچ دری از آن گشوده نمی شود، و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند، و ندا دهنده ای ندا می دهد: ای جوینده خیر، پیش آی و ای جوینده شر، باز ایست. و برای خداوند آزادشدگانی از آتش است و این در هر شب [رمضان] است».

و ایشان صلی الله علیه وسلم می فرماید: «جَاءَكُمْ شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ بَرَكَهٍ، يَغْشَاكُمْ اللَّهُ فِيهِ: فَيَنْزِلُ الرَّحْمَةَ، وَيَحُطُّ الْخَطَايَا، وَيَسْتَجِيبُ الدُّعَاءَ، يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى تَنَافُسِكُمْ فِيهِ فَيَبْهِي بِكُمْ مَلَائِكَتُهُ؛ فَأَرَوْا اللَّهَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ خَيْرًا؛ فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ فِيهِ رَحْمَةُ اللَّهِ»، «ماه رمضان، ماه برکت به شما رسیده است که الله در آن شما را فرا می گیرد: رحمت را نازل می کند، خطاها را می بخشد و دعاها را مستجاب می کند. الله به رقابت شما در این ماه می نگرد و به فرشتگانش به شما مباحثات می کند؛ پس از خودتان به الله بهترین ها را نشان دهید؛ زیرا بدبخت کسی است که در این ماه از رحمت الله محروم شود».

و ایشان صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا

وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ، وَمَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ، وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»، «هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شوند، و هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن به نماز ایستد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شوند، و هر کس شب قدر را با ایمان و برای کسب پاداش آن [به عبادت] قیام کند، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

و ایشان صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «يَقُولُ اللَّهُ: كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ الْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ، إِلَّا الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ؛ تَرَكَ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ وَشَرَابَهُ مِنْ أَجْلِي، لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ، وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ، وَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ»، «الله می‌فرماید: هر عمل فرزند آدم برای اوست و پاداش هر حسنه‌ای ده برابر تا هفتصد برابر می‌شود، مگر روزه که برای من است و من پاداش آن را می‌دهم؛ او شهوت، غذا و نوشیدنی‌اش را بخاطر من ترک می‌کند. برای روزه‌دار دو شادی است: شادمانی هنگام افطار و شادمانی هنگام ملاقات پروردگارش. و بوی دهان روزه‌دار نزد الله از بوی مشک

خوش تر است».

و احادیث در فضیلت روزهٔ رمضان و قیام آن و فضیلت جنس روزه فراوان است.

پس بر مؤمن لازم است که این فرصت را غنیمت شمارد، یعنی: آنچه که الله به او از درک ماه رمضان بخشیده است؛ پس به سوی طاعات بشتابد، و از گناهان پرهیزد، و در ادای آنچه که الله بر او فرض کرده است، به ویژه نمازهای پنج‌گانه، که ستون اسلام است و بزرگترین فرایض پس از شهادتین است، کوشش کند؛ پس بر هر مرد و زن مسلمان واجب است که بر آنها محافظت کند و آنها را در اوقاتشان با خشوع و آرامش به جا آورد.

و از مهم‌ترین واجبات آن برای مردان، انجام آن در جماعت در مساجد است که الله امر کرده است تا [قدر و منزلت مساجد] گرامی داشته شود و نامش در آنها برده شود چنانکه فرمود: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳]، یعنی: (و نماز برپا دارید و زکات بپردازید و با نمازگزاران نماز بخوانید).

و الله متعال می‌فرماید: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا

لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿٢٣٨﴾ [البقرة: ٢٣٨]، یعنی: (ای مسمانان، [بر [ادای] همه نمازها و [به خصوص] نماز میانه (نماز عصر) کوشا باشید و با فروتنی و فرمانبرداری برای الله به پا خیزید).

و گفت: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ﴿١﴾ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ [المؤمنون: ١-٢]، یعنی: (به تحقیق که مومنان رستگار شده اند * همان کسانی که در نماز خویش فروتن هستند)، تا آنجا که می گوید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿١٠﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١١﴾ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٢﴾﴾ [المؤمنون: ٩-١١]، یعنی: (و کسانی که بر [ادای] نمازهایشان مراقبت می کنند، به تحقیق آنان هستند که وارثان هستند، [همان] کسانی که بهشت برین را به ارث می برند [و] در آن جاودانند).

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «العَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ»، «پیمان میان ما و آنها [منافقان] نماز است، پس کسی که آن را ترک می نماید به تحقیق کافر شده است».

و مهم ترین فرایض بعد از نماز، ادای زکات است همان طور که خداوند فرمود: ﴿وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا

الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ﴿٥﴾ [البينة: ٥]، یعنی: (و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند درحالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل،] به توحید روی آورند؛ و نماز برپا دارند و زکات پردازند؛ و این است آیین راستین و مستقیم).

و الله متعال می فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾ [النور: ٥٦]، یعنی: (و نماز برپا دارید و زکات پردازید و از پیامبر اطاعت کنید؛ باشد که مورد رحمت قرار گیرید).

کتاب بزرگ خداوند و سنت پیامبر کریم دلالت دارند بر اینکه کسی که زکات مال خود را ندهد، در روز قیامت با آن عذاب خواهد شد.

و مهم ترین امور پس از نماز و زکات، روزه رمضان است که یکی از ارکان پنج گانه اسلام است که در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم ذکر شده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ»، «اسلام بر پنج [پایه] بنا شده است: گواهی دادن به اینکه معبودی [به حق] جز

الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله است؛ و برپا داشتن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج بیت الله الحرام».

و بر مسلمان واجب است که روزه و قیام خود را از آنچه الله بر او حرام کرده از گفتار و کردار حفظ کند؛ زیرا هدف از روزه، اطاعت از الله سبحانه و تعالی و بزرگداشت حرمت‌های او و جهاد با نفس در مخالفت با هوای آن در طاعت مولای خود و عادت دادن آن به صبر بر آنچه الله حرام کرده است، می‌باشد و هدف تنها ترک غذا و نوشیدنی و سایر باطل کننده‌ها نیست؛ و به همین دلیل از رسول الله صلی الله علیه وسلم با سند صحیح نقل شده که فرمود: «الصَّيَامُ جُنَّةٌ، فَإِذَا كَانَ يَوْمٌ صَوْمٌ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْحَبْ، فَإِنْ سَاءَ بِهِ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيُقِلْ إِنِّي صَائِمٌ»، «روزه سپر است، پس چون روز روزه کسی از شما بود دچار گناه نشود و صدایش را به بدی بالا نبرد و اگر کسی به او ناسزا گفت یا با او درگیر شد بگوید: من روزه‌دار هستم». و در حدیث صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلِ بِهِ وَالْجَهْلَ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ»، «کسی که سخن ناحق و عمل به آن و جهل را ترک نکند، الله [نیز] نیازی به این ندارد که او غذا و آبش را ترک کند».

پس با این نصوص و غیر آن دانسته می‌شود که بر روزه‌دار واجب است از هر آنچه الله بر او حرام کرده پرهیز کند و بر هر آنچه الله بر او واجب کرده محافظت نماید، و بدین وسیله امید به آمرزش و رهایی از آتش و قبول روزه و قیام برای او می‌رود.

و اموری وجود دارند که ممکن است بر برخی از مردم پنهان بمانند:

از جمله: بر مسلمان واجب است که از روی ایمان و برای کسب پاداش روزه بگیرد، نه برای ریا و خودنمایی و نه به تقلید از مردم یا پیروی از خانواده یا اهل کشورش، بلکه واجب است که انگیزه او برای روزه گرفتن ایمانش به این باشد که الله آن را بر او فرض کرده و پاداش آن را نزد پروردگارش می‌طلبد. همچنین قیام رمضان را باید مسلمان از روی ایمان و برای کسب پاداش انجام دهد، نه به دلیل دیگری؛ و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ، وَمَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ، وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»، «هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود، و هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن به نماز ایستد، گناهان

گذشته‌اش بخشیده می‌شوند، و کسی که شب قدر را از روی ایمان و احتساب [به نماز و عبادت] ایستد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

و از جمله اموری که حکم آن ممکن است بر برخی از مردم پوشیده بماند: جراحات، یا خون دماغ، یا استفراغ، یا ورود آب یا بنزین به گلوی روزه دار بدون اختیار او است که همه این امور روزه را باطل نمی‌کند، اما کسی که به عمد استفراغ کند روزه‌اش باطل می‌شود؛ به دلیل قول پیامبر صلی الله علیه وسلم: «مَنْ ذَرَعَهُ الْقَيْءُ فَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ، وَمَنْ اسْتَقَاءَ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ»، «آنکه استفراغش بر او غالب شد (بدون اراده اش خارج شد) قضا ندارد، اما هر آنکه به عمد استفراغ کرد، روزه اش را قضا کند».

و از این جمله است: آنچه ممکن است برای روزه‌دار پیش آید از تأخیر غسل جنابت تا طلوع فجر، و آنچه برای برخی زنان پیش می‌آید از تأخیر غسل حیض یا نفاس تا طلوع فجر اگر پیش از فجر پاکی را ببینند، بر او لازم است که روزه بگیرد و تأخیر غسل تا بعد از طلوع فجر مانعی ندارد، اما نباید آن را تا طلوع خورشید به تأخیر بیندازد، بلکه باید

پیش از طلوع خورشید غسل کند و نماز صبح را ادا نماید. و به همین ترتیب، جنب نمی‌تواند غسل را تا بعد از طلوع خورشید به تأخیر بیندازد، بلکه باید پیش از طلوع خورشید غسل کند و نماز صبح را بخواند، و بر مرد واجب است که در این امر شتاب کند تا نماز صبح را با جماعت درک کند.

و از اموری که روزه را باطل نمی‌کند: آزمایش خون و تزریقاتی است که به قصد تغذیه نباشد، اما اگر ممکن باشد، تأخیر آن به شب بهتر و به احتیاط نزدیکتر است؛ به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید: «دَعُ مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ»، «آنچه تو را به شک می‌اندازد رها کن و چیزی را برگیر که تو را به شک نمی‌اندازد». و این سخن ایشان علیه الصلاة والسلام که می‌فرماید: «مَنِ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِزِّهِ»، «هر کسی از شبهات دوری جست، خود را از گناه در دین و ناموس خود محفوظ کرده است».

از جمله اموری که حکم آن بر برخی از مردم پوشیده است: عدم آرامش در نماز است، چه فرض باشد و چه نافله، و احادیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم دلالت بر این دارند که آرامش (اطمینان) رکنی از ارکان نماز است و نماز بدون آن درست نیست، و آن آرام گرفتن

در نماز و خشوع در آن و عدم عجله است تا هر استخوان به جای خود برگردد، و بسیاری از مردم در رمضان نماز تراویح را به گونه‌ای می‌خوانند که نه آن را می‌فهمند و نه در آن آرامش دارند، بلکه آن را به سرعت و شتاب می‌خوانند، و این نماز به این شکل باطل است و صاحب آن گناهکار و بی‌اجر است.

از جمله اموری که حکم آن بر برخی از مردم پوشیده می‌ماند این است که بعضی گمان می‌کنند که تراویح نباید کمتر از بیست رکعت باشد، و برخی دیگر گمان می‌کنند که نباید بیش از یازده یا سیزده رکعت باشد، و این همه گمان‌هایی است که در جای خود نیست، بلکه خطایی است مخالف با دلایل.

و احادیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم دلالت دارد بر اینکه نماز شب در آن وسعت است و حد معینی ندارد که تخلف از آن جایز نباشد، بلکه از ایشان ثابت شده که در شب یازده رکعت نماز می‌خواندند و گاهی سیزده رکعت می‌خواندند و گاهی کمتر از آن در رمضان و غیر رمضان، و هنگامی که درباره نماز شب از ایشان سؤال شد، فرمودند: «مَثْنَى مَثْنَى، فَإِذَا خَشِيَ أَحَدُكُمْ الصُّبْحَ صَلَّى رُكْعَةً وَاحِدَةً تُوتِرُ لَهُ مَا قَدْ صَلَّى»، «دو رکعت دو رکعت، و اگر یکی از شما از رسیدن

صبح بیم داشت، یک رکعت بخواند که برای او وتر آنچه را که قبلاً خوانده است، محسوب می شود». (بخاری و مسلم) بر صحت آن اتفاق دارند.

و تعداد رکعت‌های معینی تعیین نشده است، نه در رمضان و نه در غیر آن، و به همین دلیل صحابه در زمان عُمر رضی الله عنه گاهی بیست و سه رکعت و گاهی یازده رکعت می خواندند، و همه این‌ها از عُمر رضی الله عنه و از صحابه در زمان او ثابت شده است.

و برخی از سلف در رمضان سی و شش رکعت نماز می خواندند و سه رکعت وتر می گزاردند، و برخی چهل و یک رکعت می خواندند. این را شیخ الاسلام ابن تیمیه و دیگر اهل علم از آنان نقل کرده‌اند، چنان‌که - رحمة الله علیه - ذکر کرده که در این امر وسعت وجود دارد، و نیز بیان کرده که برای کسی که قرائت و رکوع و سجود را طولانی می کند، بهتر است که تعداد [رکعات] را کاهش دهد، و کسی که قرائت و رکوع و سجود را خفیف می خواند، تعداد رکعات را افزایش دهد. این معنای کلام اوست رحمه الله.

و هر کس در سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم تأمل کند، درمی یابد

که بهترین کار در آنچه ذکر شد، نماز یازده رکعت یا سیزده رکعت در رمضان و غیر آن است؛ زیرا این مطابق با فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم در بیشتر حالات اوست و برای نمازگزاران آسان‌تر و به خشوع و آرامش نزدیک‌تر است و هر کس بیشتر بخواند، نه حرجی است و نه کراهتی، همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد.

و بهتر است برای کسی که همراه امام در قیام رمضان نماز می‌گذارد، تا پایان نماز امام منصرف نشود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا قَامَ مَعَ الْإِمَامِ حَتَّى يَنْصَرِفَ كُتِبَ لَهُ قِيَامٌ لَيْلَةٍ»، «هرگاه مردی همراه امام به قیام ایستد تا آنکه [امام از نماز] منصرف شود [و نمازش به پایان برسد]، الله برایش قیام یک شب [کامل] را می‌نویسد».

و برای همه مسلمانان مشروع است که در این ماه کریم در انواع عبادات کوشش کنند، از جمله نماز نافله، و قرائت قرآن با تدبر و تعقل و افزودن به تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر و استغفار و دعا‌های شرعی، و امر به معروف و نهی از منکر، و دعوت به سوی الله، و همدردی با فقرا و مساکین و کوشش در نیکی به والدین و صلۀ رحم، و اکرام

همسایه و عیادت بیمار، و دیگر انواع خیر؛ به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث پیشین: «يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى تَنَافُسِكُمْ فِيهِ فَيَبَاهِي بِكُمْ مَلَائِكَتَهُ؛ فَأَرُوا اللَّهَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ خَيْرًا؛ فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ فِيهِ رَحْمَةُ اللَّهِ»، «الله به رقابت شما در راه او می‌نگرد و به فرشتگانش به شما مباحثات می‌کند، پس بهترین خود را به الله نشان دهید، زیرا بدبخت کسی است که در این میان از رحمت الله محروم شود».

و به دلیل آنچه از وی علیه الصلاة والسلام روایت شده که فرمودند: «مَنْ تَقَرَّبَ فِيهِ بِخُصَالَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ»، «و کسی که در آن به یکی از خصال نیک نزدیک شود، همانند کسی است که در غیر آن یک فریضه را به جا آورده است؛ و کسی که در آن یک فریضه را به جا آورد، همانند کسی است که در غیر آن هفتاد فریضه را به جا آورده است». و به دلیل سخن ایشان علیه الصلاة والسلام در حدیث صحیح که می‌فرماید: «عُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً، أَوْ قَالَ: حَجَّةً مَعِيَ» «عمره در ماه رمضان برابر با حج است. یا فرمود: حج با من».

و احادیث و آثار دال بر مشروعیت مسابقه و رقابت در انواع خیر در این ماه کریم بسیار است.

از الله خواهانیم که ما و دیگر مسلمانان را به هر آنچه رضای او در آن است توفیق دهد و روزه و نماز ما را بپذیرد، احوال ما را اصلاح کند و همه ما را از فتنه‌های گمراه‌کننده حفظ نماید. همچنین از او سبحانه و تعالی می‌خواهیم که رهبران مسلمانان را اصلاح کند و کلمه آنان را بر حق متحد نماید، همانا او ولی این امر و قادر بر آن است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

فهرست

- 3 دو نامه مختصر درباره زکات و روزه
- ۲ نامه نخست
- ۲ در پژوهش‌های مهم درباره زکات
- ۱۴ نامه دوم
- در فضیلت روزه رمضان و قیام آن همراه با بیان احکام مهمی که
- ۱۴ ممکن است بر برخی افراد پوشیده بماند.





رسالة الحرمين

پیام الحرمین

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبان های مختلف



978-603-8524-00-8

